

مذکور قرن‌ها در ممالک اسلامی و اروپا مالک و مأخذ منجمین بود. خوارزمی در ۲۱۰ رساله‌ای در خصوص ارقام هندی نوشت که به لاتین ترجمه شد و باعث نشر ارقام مذکور در اروپا گردید. چون رساله مذکور به عربی بود در اروپا ارقام را عربی خواندند و اسم خوارزمی (۱) اصطلاحی شد برای محاسبه بر پایه ده. خوارزمی بود که نخستین کتاب جبر و مقابله را نوشت و معادلات درجه دوم را حل کرد. ژرارد (۲) کتاب جبر و مقابله را به لاتین ترجمه کرد و این ترجمه از قرن دوازدهم تا شانزدهم میلادی متن عمده جبر و مقابله در دانشگاه‌های اروپا بود و کلمه «جبر» را در زبانهای اروپائی برای علم مذکور معمول و متداول کرد.

جابر بن حیان که مطابق کتاب فهرست ابن ندیم (۳) استادز کربای رازی و ظاهراً اهل خراسان بود در حدود یکصد جلد کتاب شیمی تألیف کرد که در آنها اسامی اکثر ادویه‌ای که ذکر نموده بفارسی است (۴) و همین مسئله اهمیت و بسط این علم را در ایران قبل از اسلام ظاهر میسازد. بواسطه تجربیاتی که جابر در شیمی نمود و طرز تهیه عده‌ای از مواد شیمیائی را (مانند سولفور دوبر کور - اکسیددارسینیک - تیزاب سلطانی - بعضی از فلزات) شرح داد و بسیاری از مواد را از لحاظ شیمیائی تجزیه کرد او را پدر کیمیای اسلامی خوانده‌اند. در قرن دوازدهم میلادی چند کتاب او را به لاتین ترجمه کردند که بطور مؤثری باعث ایجاد و بسط علم شیمی در اروپا شد.

زکریای رازی (متوفی در ۳۲۰) شاگرد جابر که بیشتر بواسطه کتب طبی در جهان شهرت دارد کتابهایی نیز در باب فیزیک (ماده و حرکت و نور و هوا) و کیمیا تألیف کرده است. اهمیت کتاب کیمیای او فقط در قرن حاضر هویدا گشته است. رازی مواد را از لحاظ شیمیائی طبقه بندی کرده و خواص شیمیائی هر یک را صحیحاً شرح داده است. طبقه بندی مواد توسط رازی بسه گروه معدنی و نباتی و حیوانی همان است که در اروپا

Algorithm (۱)

Gérard (۲) برای شناسائی او رجوع شود به صفحه ۱۱۳

(۳) فهرست - چاپ ۱۳۴۸ قمری مصر - صفحه ۵۰۰

(۴) ترجمه میراث اسلام - چاپ ۱۳۲۵ خورشیدی - تهران - صفحه ۱۱۴

قبول و در علوم جدید مبنی و مأخذ قرار گرفته است (۱).

دانشمند دیگری که در ریاضی خدمات مهم کرد ابوالوفا بوزجانی (خراسانی) است (متوفی در ۳۸۷) که در تحت حمایت پادشاهان بویه میزیست. او بود که مثلثات را دانش مستقلی کرد و ظل را پیدا نمود و برای نخستین بار در دنیا جدول جیب و ظل را بفاصله های ده دقیقه تدوین کرد و ششصد سال قبل از تیکوبراه (۲) یکی از تغییرات حرکت قمر را کشف کرد.

پنجمین دانشمند بزرگی که باید نام برد ابوریحان بیرونی است (متوفی در ۴۴۰) که دو کتاب بسیار مهم بنام آثار الباقیه و تاریخ الهندی بعربی و کتاب تفهیم را در هیئت بفارسی نوشته است. بیرونی متفکری است عمیق و محقق است دقیق که روش علمی و انتقادی را بایطرفی و مهارت فوق العاده بکار برده و در ردیف علمای بزرگ جهان مقام گرفته است. ویل دورانت مورخ امریکائی او را لا اقل لیبنیتز (۳) عالم اسلام می شمارد. بیرونی مدتها در هندوستان اقامت کرد و چند کتاب از سانسکریت بعربی ترجمه نمود و هندسه اقلیدس و الهجسط بطالمیوس را به سانسکریت نقل کرد. بیرونی گرد بودن زمین را مسلم میدانست - فرضیه قوه جاذبه و حرکت وضعی و انتقالی زمین را که پنج شش قرن بعد کپرنیک و نیوتن (۴) بشبوت رساندند ابراز داشت - در زمین شناسی نظر داد که دره سند روزی کف دریا بوده - در فیزیک وزن مخصوص هیچده ماده را معین کرد و قانون تعیین وزن مخصوص اجسام را اعلام داشت و برای نخستین بار جدولی از وزن مخصوص اجسام ترتیب داد - طرز محاسبه حاصل جمع تصاعد هندسی را پیدا کرد - شیب مدار خورشید را نسبت بسطح استوای جهان اندازه گرفت و ۲۳ درجه و ۳۵ دقیقه یافت در صورتیکه با اسبابهای دقیق کنونی ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه است ...

(۱) میراث اسلام - ترجمه علم - صفحه ۱۱۳-۱۱۲

(۲) Tycho Brahe - داستان تمدن دوران - جلد چهارم - صفحه ۲۴۲. درباره

تیکوبراه به صفحه ۱۸۳ مراجعه شود.

(۳) Leibnitz (متوفی در ۱۷۱۶) - حکیم و دانشمند آلمانی که حساب فاضله را

پیدا کرد - داستان تمدن دوران صفحه ۲۴۳

(۴) رجوع شود به صفحه ۱۸۴-۱۸۲

عمر خیام (متوفی در ۵۱۷) را در عالم بیشتر بواسطه رباعیاتش می شناسند در صورتیکه مهمترین خدماتش در علم ریاضی است. اوست که اولین کتاب جبر و مقابله کامل را تدوین کرد و معادلات را طبقه بندی نمود و معادله درجه سوم را حل کرد. اوست که تقویم جلالی را در قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) تنظیم کرد که در هر ۳۷۷۰ سال يك روز نسبت بحرکت حقیقی خورشید اختلاف دارد در صورتیکه تقویم اروپائی و مسیحی که پانصدسال بعد بدستور پاپ گرگوار سیزدهم (۱) در عالم مسیحیت رسمیت یافت در هر ۳۳۳ سال یکروز اختلاف دارد.

خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی در ۶۷۲) که در فصل هیجدهم جزو مریبان بزرگ ایران از او سخن گفته شد نخستین کتاب مثلثات کروی را در عالم نوشت و چندین اسباب رصد اختراع کرد.

جمشید غیاث الدین کاشانی (متوفی در ۸۳۸) نخستین دانشمندی است که در دنیا کسرا عشر (برخه دهدهی) را بکار برد. چون شرح خدمات ایران در علوم ریاضی و طبیعی بسیار مفصل است در اینجا بذکر نام عده ای از دانشمندان ایرانی که قبل از آغاز بیداری اروپا کارهای شایان توجه کرده اند اکتفا و تاریخ در گذشت هر يك بین دو قوس درج می شود:

یعقوب بن طاروق (۱۷۹) - فرخان طبری (۱۹۹) - فرغانی (۲۱۷) - محمد نهاوندی (۲۲۴) - عبدالله مروزی (۲۵۵) - ابومعشر بلخی (۲۷۲) - احمد بن طیب سرخسی (۲۷۶) - داود دینوری (۲۸۱) - حاتم نیریزی (۳۰۹) - عبدالرحمن صوفی رازی (۳۷۵) - محمد بن حسن کرخی (۴۱۹) - علی بن احمد نسای خراسانی (۴۱۵) - نجم الدین صلاح (۵۴۹) - فخر الدین رازی (۶۰۶) - شرف الدین طوسی (۶۰۹)

چنانکه در فصل چهارم اشاره شد در اوستا (کتاب وندیداد)

پزشکی

ناخوشیها و درمانها ذکر و دستمزدها پزشک معین گردیده و همین

مسئله اهمیت طب را در ایران در آغاز تاریخ میرساند. علم پزشکی بتدریج بسط حاصل کرد تا در زمان اردشیر دوم هخامنشی (متوفی در ۳۵۸ قبل از میلاد) سازمانی برای

اطباء و جراحان وجود داشت و دستمزد پزشك بر حسب مرتبه و مقام بیمار معین بود .
در زمان ساسانیان چنانکه در فصل ۱۷ گفته آمد دانشگاه گندی شاپور تأسیس
گشت که قریب ششصد سال مرکز مهم تعلیم طب بود .

در همان قرنهایی که اروپا را سیل اقوام وحشی ز رمن و اسلاو فرا گرفته علم و دانش
از آن قاره رخت بر بسته بود - در همان اوقاتی که امپراطوری بیزانس بحکم تعصب
دینی دانشگاه آتن را تعطیل و تدریس حکمت را ممنوع می ساخت مملکت ایران
پناهگاه فضلاء و علما بود و دانشگاه گندی شاپور که بقول دکتر سارتن (۱) مؤلف تاریخ
علوم «بزرگترین مرکز علمی و ادبی عصر» بود علوم پزشکی ایران و یونان و هندوستان
بوسیله متخصصین هر کشور میآموخت و در بیمارستان اطباء را تربیت میکرد و همین
متخصصین و پزشکان بودند که کتب طب پهلوی و یونانی و هندی را به عربی ترجمه کردند
و در دمشق و بغداد و نقاط دیگر بیمارستان برپا ساختند و مایه و اساس پزشکی را
حفظ کردند و در دنیا رواج دادند .

در دوره ایران سه پزشك و مصنف کتب طبی در دامان خود پرورده که اسباب
فخر و مباهات است و آن سه عبارتند از زکریای رازی (متوفی در ۳۲۰) - علی بن عباس
مجوسی (متوفی در ۳۸۳) - ابوعلی سینا (متوفی در ۴۲۸) .

رازی که باتفاق محققین و مورخین عالم بزرگترین پزشکی است که در دنیای اسلام
بوجود آمده در حدود ۱۳۱ کتاب و رساله تألیف کرده و از این عده مطابق تحقیق
بر کلمن (۲) خاور شناس شهیر آلمانی پنجاه جلد باقی است و از میان آنها کتاب حاوی
در بیست جلد دائرة المعارف یا فرهنگنامه بزرگی است از علوم پزشکی که قرنهای از بهترین
کتب طبی دنیا بود و نفوذ بسیار در طب اروپا داشت. بدستور شارل اول پادشاه ناپل و سیسیل
فرج بن سالم کتاب حاوی را به لاتین ترجمه کرد (۱۲۷۹ میلادی) (۳) و این ترجمه چند قرن

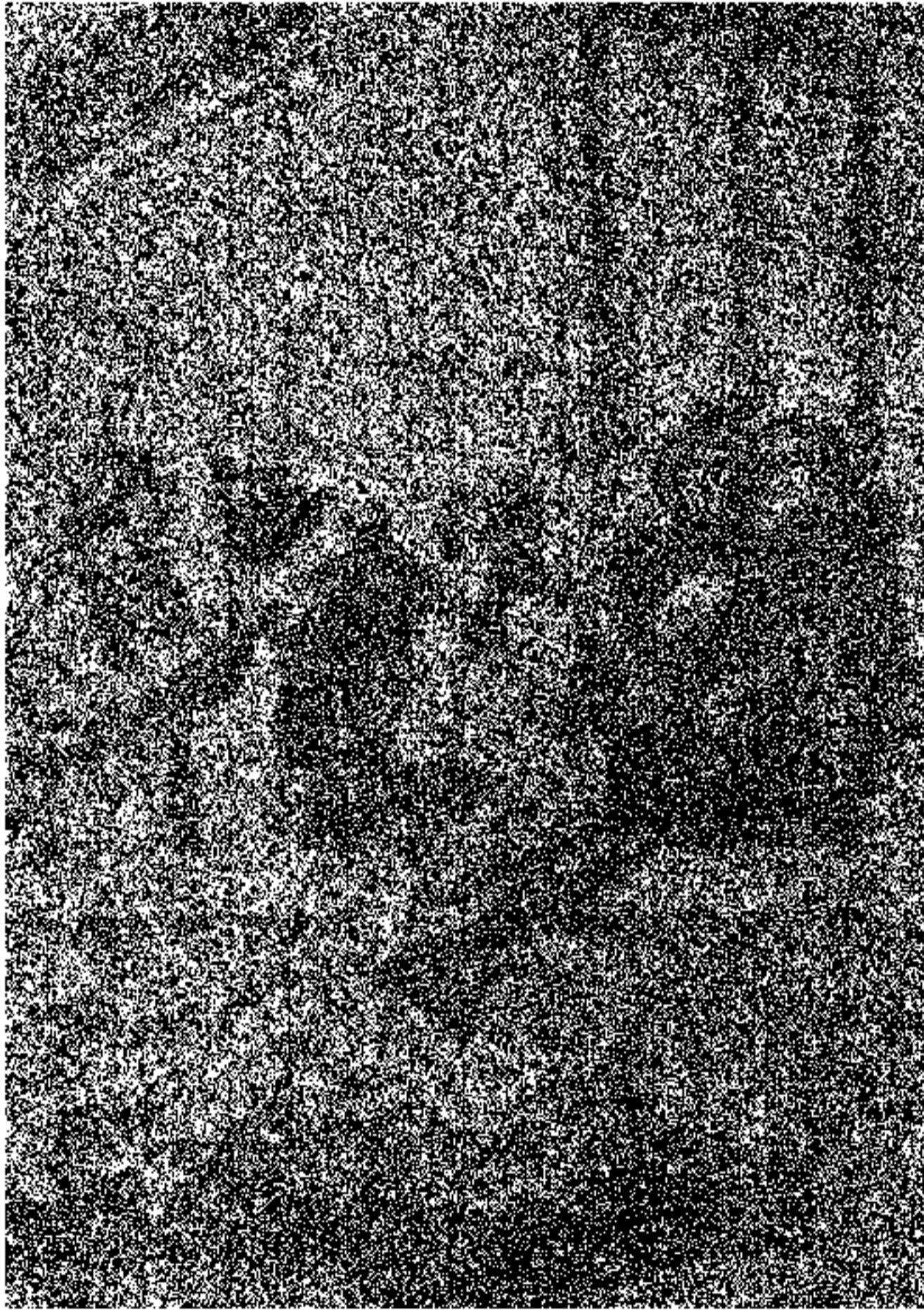
(۱) George Sarton در مقدمه تاریخ علوم - جلد اول - صفحه ۳۵۴ که در

جلد چهارم داستان تمدن صفحه ۱۳۸ قید گردیده است .

(۲) Brockelmann

(۳) رجوع شود به صفحه ۱۱۴-۱۱۳ این کتاب

کتاب درسی بود. در ۱۳۹۵ میلادی حاوی یکی از نه کتاب طبی بود که در دانشگاه پاریس بکار میرفت و اهمیت آن بحدی بود که تنها در ۱۵۴۲ پنج مرتبه بطبع رسید (۱)



محمد زکریای رازی (۳۲۰ - ۲۴۰)

از روی تصویری که بر دیوار تالار عظیم دانشکده پزشکی پاریس منقوش است .

بر دیوار مذکور بطول ۶۳ متر تصویر پزشکان مهم جهان را کشیده و تاریخ طب را نمایش داده اند . از چپ بر است : هارون کشیش و طبیب از اهالی اسکندریه که مقارن صدر اسلام کنایی در طب یونانی بزبان سریانی نوشته و در این برده آفرابه رازی نشان میدهد - ابوالقاسم زهرای جراح تازی از اهالی قرطبه در قرن چهارم هجری - محمد زکریای رازی - ابن سینا که بر زرده ایوان نشسته و یادست چپ کتاب قانون را بروی زانو نگاه داشته - دوتن از حکمای سالرن Salerne در ایتالیا که علم طب را از ابن سینا میاموزند. (از کتاب مجموعه های صنعتی دانشکده پزشکی پاریس - چاپ ۱۹۱۱ - متعلق باقای دکتر محمود مهران)

کتاب مهم دیگر رازی موسوم به منصوریه که بنام منصور بن اسحاق سامانی حاکم ری مصدر شده و در قرن دوازدهم میلادی ژرارد آنرا به لاتین ترجمه کرده تا قرن شانزدهم در اروپا مورد استفاده بوده است. شاهکار رازی در تحقیق و مشاهده مستقیم بیمار و تشخیص مرض و طریق معالجه موسوم است به کتاب الجدری و الحصبة (کتاب آبله و سرخک). این کتاب باندازه‌ای در اروپا مورد توجه واقع شد که ترجمه آن در انگلستان بین ۱۴۹۸ و ۱۸۶۶ چهل بار بزیور طبع آراسته شد و همین مسئله میرساند که اطلاعات و تحقیقات او در باب این دو بیماری بحدی عمیق بوده که تا هشتاد سال پیش علمای مغرب زمین نتوانسته‌اند بر آن چیزی بیفزایند.

رازی در عملیات و کتب خود از معلومات یونانیان که در کتب بقراط و جالینوس آمده بود تجاوز کرد و در طب و بیمارستان از خود ابتکار نشان داد و در امراض عفونی تحقیق نمود و مانند دانشمندان قرن نوزدهم و بیستم بعمل و تجربه و مشاهده پرداخت و نتایج آزمایشهای خود را ثبت و ضبط کرد و در کتابهای سه گانه مذکور از آنها بحث نمود و دستور عمل استخراج کرد و باین ترتیب روش تجربی و عملی را در طب وارد کرد. بعلاوه در جراحی و معالجه کارهای بکر نمود و نبوغ ذاتی خود را ظاهر ساخت چنانکه مثانه را عمل کرد و سنگ بیرون آورد و دواهای جدید با ترکیبات زیبق تهیه کرد و از آنها نتایج سودمند گرفت.

دومین پزشک معروف علی بن عباس مجوسی است که از اهل اهواز و طیب عضدالدوله دیلمی بود و تألیف مهمش کامل الصناعه یا کتاب الملکی نام دارد که به اسم عضدالدوله موشح نمود. این کتاب بقول مؤلف حد وسطی است بین دو کتاب رازی یعنی حاوی و منصوریه. کتاب الملکی به لاتین ترجمه شد و مدتها در اروپا مورد استفاده بود. از نکات جالبی که در این کتاب خاطر نشان گردیده شرایطی است که برای تحصیلات طبی قائل شده است. بنظر مجوسی دانشجویان پزشکی باید در مصاحبت استاد خود توجه مخصوص باوضاع و احوال بیمار کنند و غالباً از احوال آنان استفسار نمایند و علائم مشهود را با آن احوال تطبیق نمایند تا بتوانند طیب حاذق شوند.

سومین حکیم شهیر ابن سیناست که مختصری از زندگانی او در فصل ۱۸ و شمه‌ای از خدمات او بفلسفه در صفحات قبل آورده شد. ابن سینا بدون تردید بزرگترین مؤلف کتب طبی در عالم اسلام است. مهم‌ترین کتاب طبی او قانون است که در قرن دوازدهم میلادی توسط ژرارد به لاتین ترجمه شد و بواسطه جامعیت و روشنی و طرز تنظیم مطالب و فصاحت گفتار در بین کتب پزشکی مقام اول را در دنیا احراز کرد و مدت پانصد سال در اروپا کتاب درسی بود و تنها در قرن شانزدهم بیش از بیست بار بطبع رسید و تا نیمه قرن هفدهم میلادی در دانشگاه من پلیه (۱) و لوون (۲) کلیه دانشجویان پزشکی ناگزیر بمطالعه و فراگرفتن آن بودند.

ادبیات
ویل دورانت مؤلف کتاب عظیم داستان تمدن که چهار مجلد بزرگ آن تا کنون انتشار یافته در جلد چهارم که «عصر ایمان» نامیده مینویسد (صفحه ۲۶۳ و ۳۲۲) که در دنیا کتبی که بعد از کتاب مقدس (تورات و انجیل) از همه بیشتر خوانده میشود عبارتست از داستانهای بیدپای - الف لیله - رباعیات خیام (۳).

حکایات بیدپای همان کلیده و دمنه است که برزویه حکیم بدستور خسرو انوشیروان در قرن ششم میلادی از هندوستان بایران آورد و بزبان پهلوی ترجمه گردید و بابهایی بر آن افزوده شد و ابن مقفع روزبه آنرا بعربی نقل نمود. اکنون بجز پنج باب که بنام پنج تنقر بزبان سانسکریت در دست است تمام متن پهلوی از بین رفته ولی ترجمه عربی آن بیچهل زبان نقل شده و در تمام دنیا شایع گشته و لافونتن (۴) داستان نویس معروف

(۱) Montpellier در جنوب فرانسه نزدیک کناره مدیترانه که مدرسه طب آن در قرون وسطی شهرت بسیار داشت.

(۲) Louvain در بلژیک که دانشگاهش معروف است.

(۳) مطابق تحقیقی که فردریک کرمول Frederick Cromwell رئیس کتابخانه دانشگاه آریزونا (امریکا) نموده و بنگارنده نوشته است رباعیات خیام بهترین کتابی است که بفروش میرسد و تنها بزبان انگلیسی صدها چاپ از آن بعمل آمده و مثلا شرکت کتابفروشی هالدمن جولیوس Haldeman - Julius سالیان دراز هر سال دوپست و پنجاه هزار جلد از آنرا طبع نموده و بفروش رسانده است.

(۴) La Fontaine (۱۶۹۵-۱۶۲۱)

فرانسوی در قرن هفدهم از آن استفاده شایان برده است .
 کتاب الف لیله نیز ترجمه‌ای است از کتاب هزار افسان که طرح اساسی آن در دوره
 ساسانی ریخته شده و در زمان خلفای عباسی از پهلوی به عربی نقل گردیده است . اصل
 کتاب مذکور امروز در دست نیست و در اثر انقلابات و سوانح روزگار از میان رفته است .
 رباعیات خیام را نیز ادوارد فیتزجرالد (۱) شاعر نامی انگلیس در ۱۸۵۹ بشعر
 انگلیسی بسیار نفیض ترجمه کرده و ستایش انگلیسی زبانان دنیا را بسوی خیام جلب
 کرده است .



ادوارد فیتزجرالد (۱۸۸۳-۱۸۰۹)

شاعر و مترجم نامی رباعیات عمر خیام

بنابر این کتب ادبی که در جهان از همه بیشتر خوانده میشود یکی در اصل هندی
 است که بلباس و رنگ ایرانی در آمده و ایرانیان داستانهای بر آن افزوده‌اند و پس از
 دو بیست سال بقلم یک نفر ایرانی دیگر بدنیای متمدن تقدیم شده و دو کتاب دیگر را

ایرانیان تألیف و بعالم بشریت تقدیم و وسایل تمتع ملل دنیا را فراهم نموده‌اند . علاوه بر کتب فوق شاهکارهای زبان فارسی چون شاهنامه فردوسی - گلستان و بوستان سعدی - مثنوی مولوی - غزلیات حافظ در دو بیست سال اخیر مکرر بزبانهای اروپائی ترجمه یا خلاصه شده و در ادبیات جهان تأثیر نموده‌است . شاهکارهای مذکور در ممالک همجوار قرنهای مردم هندوستان و آسیای مرکزی و آسیای صغیر را محظوظ نموده و ترجمه آنها به عربی و ترکی در کشورهای عربی زبان و ترکیه رایج بوده‌است . در ۱۳۱۳ خورشیدی برای قدرشناسی از یکی از نوابع مذکور بود که در ممالک معظم کبیتی جشن هزاره فردوسی را گرفتند و مقام شامخ آن شاعر بزرگ را در ادبیات جهان ستودند .

پروفسور کیب (۱) استاد دانشگاه اکسفورد می نویسد : « اشعار شیرین فارسی مشحون از افکار پر معنی است که از قریحه و هوش سرشار ایران سرچشمه گرفته و بسیاری از این اشعار بی مانند بی چون و چرا اثر مخصوص در ادبیات اروپا داشته‌است . » پروفسور نیکلسن (۲) استاد دانشگاه کیمبریج و مترجم مثنوی مولوی با انگلیسی رساله سیرالعباد الی المعاد سنائی را مؤثر در کتاب معروف دانتی (۳) شاعر شهیر ایتالیا موسوم به کمدی الهی دانسته است . گوته (۴) بزرگترین شاعر نامور آلمان زمانی که ترجمه غزلیات حافظ بدستش رسید از بهترین مواقع عمر خود شمرد و « دیوان غربی و شرقی » را که از شاهکارهای اوست در تحت تأثیر خواجه شیراز بنکاشت و اصطلاحات او را در اشعار خود بکار برد . ماتیو آرنولد (۵) شاعر معروف انگلیسی داستان رستم و سهراب شاهنامه را بشعر انگلیسی سرود . ولتر (۶) نویسنده شهیر فرانسوی از ترجمه قصص و حکایات

(۱) H.A.R. Gibb - میراث اسلام - ترجمه علم - صفحه ۷۷

(۲) Reynold Nicholson در رساله A Persian forerunner of Dante

منطبعة ۱۹۴۴

(۳) Dante (۱۲۶۵-۱۳۲۱ میلادی) که شاهکارش Comédie divine نام دارد

(۴) Goethe (۱۷۴۹-۱۸۳۲)

(۵) Matthew Arnold (۱۸۲۲-۱۸۸۸)

(۶) Voltaire (۱۶۹۴-۱۷۸۸)

فارسی در تألیفات شیرین خود استفاده فراوان کرد. ویل دورانت مورخ امریکائی در داستان تمدن خود يك عصر را بنام عصر خيام و يك عصر را بنام عصر سعدی خوانده است. گروسه مستشرق نامی و عضو پیوسته فرهنگستان فرانسه در ۱۹۵۱ در خصوص فواید و تأثیر ادبیات ایران مینویسد (۱): « ادبیات ایران از سرچشمه کمال مطلوب انسانی و ابدیت فکر و سخن الهام گرفته و آثاری بوجود آورده که باندازه آثار یونان و روم جهانی را متمتع کرده است. ادبیات مذکور نهضتی ایجاد کرده که باندازه جنبش فرهنگ پژوهی ما در عصر جدید (رنسانس) گنجینه‌های معنوی از خود باقی گذارده است. سعدی و حافظ که برای ما کاملترین نماینده این ادبیات هستند تنها در ایران معروف و مشهور نیستند بلکه در تمام عالم اسلامی و در تمام آسیای ترک یا عرب آثار آنان همانقدر با ارج است که در اصفهان یا شیراز. چه بگوییم؟ در مغرب زمین از گوته گرفته تا شعرای دیگر نفوذ اساتید ایران در غزل سرائی خالص و سخن پروری کامل محسوس و مشهود است ».

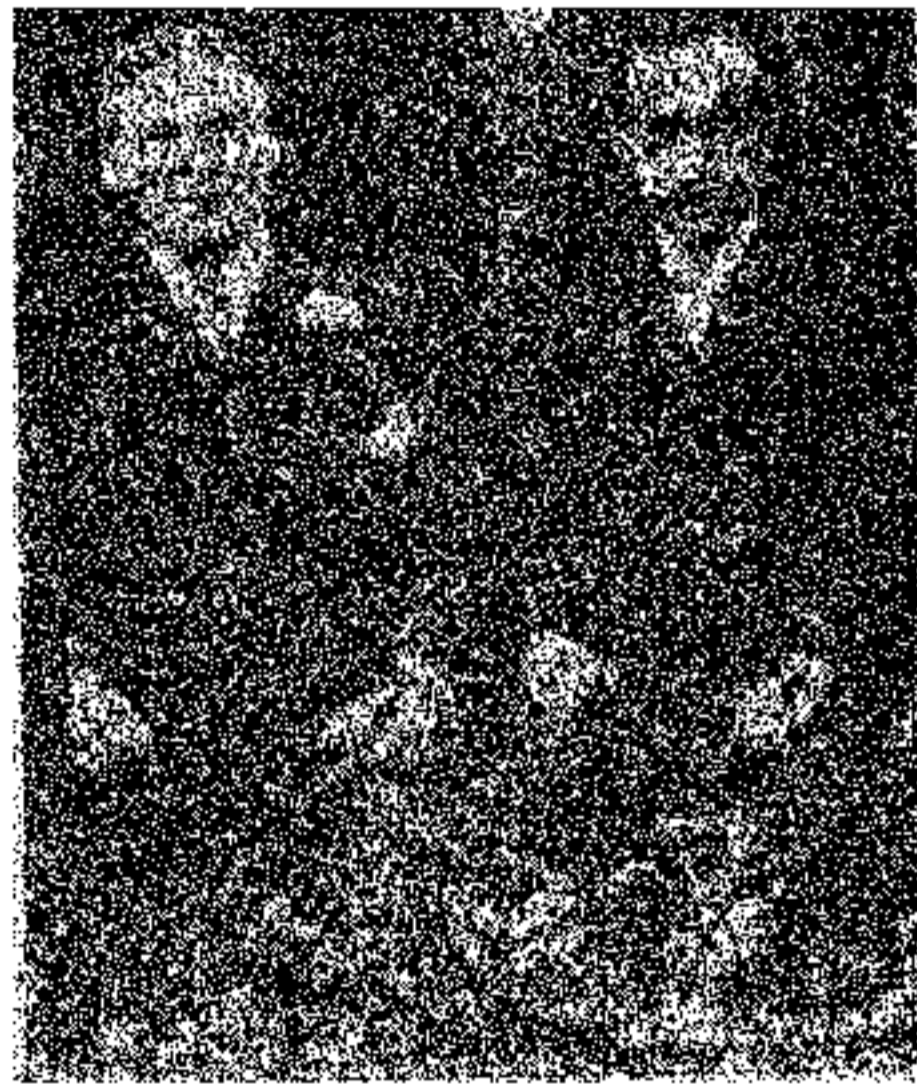
علاوه بر شعر و داستان، ایران در تاریخ نویسی و اخلاق و ترجمه حال نیز خدمات شایان فرهنگ نموده که بطور مثال میتوان تاریخ طبری و ترجمه آن بفارسی - تاریخ جهانگشای جوینی - جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله - تاریخ بیهقی - زین الاخبار گردیزی - اخلاق ناصری - تذکرة الاولیای عطار - اسرار التوحید محمد بن منور را در اینجا ذکر نمود.

برای تعیین مقام ادبیات ایران باید از نظر اهل فن استفاده شود. شاد روان پروفیسور ادوارد براون که در ربع اول قرن بیستم بزرگترین ایران شناس اروپا بود و برای نخستین بار تاریخ کامل ادبیات ایران را در چهار مجلد تألیف نمود و مکرر در این کتاب بتألیفات او اشاره و از آنها استفاده شد (۲) در خطابه‌ای که در ۶ فوریه ۱۹۱۸ در فرهنگستان بریتانیا در لندن ایراد کرد راجع بادبیات فارسی چنین گفت: « اگر ما

(۱) René Grousset در کتاب «روان ایران» - چاپ پاریس - صفحه ۹

(۲) برای اطلاع از شرح حال و تألیفات و خدمات او رجوع شود به «بیست مقاله»

توجه خود را بادییات ایران بمعنی محدود آن یعنی تنها بآنچه بزبان فارسی است معطوف کنیم بدون تردید مایه و تنوع آن کمتر است تا اینکه ادبیات عرب را نیز که ایرانیان بوجود آورده‌اند در نظر بگیریم. با این محدودیت، باز ادبیات فارسی ادبیاتی است که هر ملتی میتواند بدان مباحثات کند مخصوصاً در شعر و بویژه در اشعار عارفانه. تقریباً ممتنع است که ارزش ادبیات زبانهای مختلف را باهم سنجید زیرا صرف نظر از ذوق و سلیقه شخصی کمتر کسی است که ادبیات بیش از دو یاسه زبان را نیکو بداند.



پروفسور براون (۱۸۶۲-۱۹۲۶) با مرحوم حسین دانش شاعر و نویسنده معاصر (دست راست) این عکس در ۱۹۱۰ در استانبول برداشته شده است.

با اینهمه اگر صورتی از حقیقه بزرگترین شاعران جهان در تمام اعصار تهیه شود کمتر منقذی انکار خواهد کرد که ایران دست کم دو یاسه نماینده در آن صورت دارا خواهد بود. انسان در حقیقت از کثرت ثروت در زحمت است. اگر ایران کمتر شاعر داشت و هر يك از شعرا کمتر شعر سروده بود مردم بهتر و بیشتر آنها را میخواندند و زیاده تر قدر آنها را میدانستند. مثنوی عرفانی جلال الدین رومی بیست هزار - شاهنامه شصت هزار آثار منظوم عطار هفتاد هزار بیت است.... (۱)

(۱) نهضت مشروطه ایران - Edward Granville Browne - از انتشارات

فرهنگستان بریتانیا - جلد هشتم - ۱۹۱۸

آموزش و پرورش در ایران قبل از اسلام توجه ایرانیان پرورش اخلاقی و تزریق راستی و درستی و پاکی و تعلیم اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک بکودکان در قرونی که دنیا دچار توحش یا پرستش موهومات و خرافات بود یکی از خدمات شایان به تعلیم و تربیت محسوب میشود - همان تربیتی که گزنوفون مورخ یونانی در کورش نامه بتوصیف و تمجید آن پرداخت .

در دوره اسلامی در ایران بود که قبل از همه جا مدرسه از مسجد جدا شد و استقلال حاصل کرد و خواه نظام الملک بود که مدارس منظم بابر نامه و موقوفه و نظامات معین در ایران و پایتخت خلافت تأسیس کرد و آنها را برای ممالک اسلامی سر مشق قرارداد . اروپائیان که بچنگهای صلیبی آمدند یا کسانی که برای تحصیل باندلس رفتند مدارس اسلامی را برای خود نمونه گرفتند و شبیه بآنها را در اروپا برپا نمودند .

از لحاظ برنامه و کتب درسی ترجمه هائی که بدستور وزیران ایرانی یا توسط ایرانیان از پهلوی و سریانی و یونانی و عربی صورت گرفت و تصنیفات و تألیفات بیشماری که در تمام رشته ها از قبیل علوم دینی و علوم ریاضی و طبیعی و تاریخ و جغرافیا و هیئت و نجوم و پزشکی و ادبیات و فلسفه ایرانیان انجام دادند و اسامی عدّه قلیلی از آنها در فصول و صفحات قبل مذکور افتاد باعث بسط و توسعه مواد تحصیلی مدارس و ازدیاد کتب درسی و بالا رفتن سطح تحصیلات و فرهنگ عمومی گردید .

بالاخره چنانکه سابقاً گفته آمد فرهنگ اسلامی وقتی شروع بظهور و بسط نمود که خلفای بنی عباس را ایرانیان بر سر کار آوردند و مقر خلافت را در خاک ایران در بغداد برپا ساختند و قسمت مهمی از ترجمه و تألیف و تصنیف را دانشمندان ایرانی بر عهده گرفتند . همین فرهنگ اسلامی بود که مدت پانصد سال دنیا را روشن و بهره مند ساخت و از راه جزیره سیشیل و اسپانی بدرون اروپا وارد شد و یکی از عوامل مهم بیداری مغرب زمین و پیدایش نهضت ادبی و علمی و هنری (رنسانس) در نیمه قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) گردید .

هدف عالی و کمال مطلوب آدمی در زندگانی عبارتست از
هنرهای زیبا
 نیکی و راستی و زیبایی . هنر یکی از عوامل مهم ابراز و بیان

زیبائی است و ازینرو از عناصر اصلی زندگانی عالی و تمدن حقیقی و فرهنگ است . البته حس زیبایی باید با راستی و نیکی توأم شود تا شاهکار صنعتی بوجود آید .

بشهادت کاوشهای علمای اروپائی و امریکائی و تاریخ تمدن بشر ایران در ظرف شش هزار سال عشق زیبایی و جمال را همواره واجد بوده و ازینراه خدمات بزرگ بعالم انسانیت و تحکیم بنیان فرهنگ و تمدن امروز جهان نموده است . در تمام اینمدت ایران از صنایع ملل دیگر اخذ و اقتباس نموده ولی عناصر آنرا با صنایع خود چنان ترکیب و هماهنگ کرد که منشأ و اصالت آنها را درخود محو کرده و جزو تجزیه ناپذیر هنر خود کرده و ملل دیگر را چون هندوستان و چین و مصر و یونان و تمام ممالک اسلامی و اروپا از این صنایع بهره مند و مستفیض ساخته است .

خصایصی که موجب مزیت هنرهای ایشان شده عبارتست از رنگ آمیزی و هماهنگی که استادی ایرانیان را در دنیا مسلم ساخته - عشق بصورت آرایی حیوانات - توجه خاص بنقوش و توجه کمتر به تجسم طبیعی و واقعی اشیاء - سادگی و آرایش بسیار - صبر و حوصله بیحد هنرمندان .

بعقیده دکتر کریستی ویلسن امریکائی مؤلف تاریخ صنایع ایران «در طرح، صنایع ایران راهنمای تمام عالم بوده است . . . استعداد و پیشوائی ایران در عالم صنعت مورد تصدیق همه علماء و اهل فن است . . . صنعت اساسی ترین و مهمترین فعالیت قوم ایرانی بوده و گرانبهاترین خدمت آنان بتمدن دنیا است . . .» (۱)

پروفسور رانسی مان انگلیسی استاد دانشگاه استانبول پس از تشریح نفوذ و تأثیر صنایع زیبا و معماری و مجسمه سازی و طرح نقشه و منسوجات و مینا کاری و شیشه بری ایران در هنرهای اروپا در قرون وسطی مینویسد : «بطور کلی هیچ یك از شعب صنعت و هنر اروپای قرون وسطی یافت نمی شود که از نفوذ و تأثیر هنر دوره ساسانی در آن دیده نشود . . . و هنرهای مغرب که اینهمه مایه مسرت و افتخار ما است هرگز بدون کمک و دستیاری ایران ترقی نمی کرد و رونق و شکوه نمی یافت» (۲)

(۱) Dr. Christie Wilson - تاریخ صنایع ایران - ترجمه فریار - صفحه ۱۱ و ۲۲۴

(۲) نفوذ ایران در تمدن اروپا - Steven Runciman - ۱۹۴۴ - صفحه ۱۵ - ۱۴

اهمیت و بسط دامنه صنایع ایران بحدی است که درعالم هیچ موزه مهمی نیست که شعبه‌ای مخصوص برای آثار ایران نداشته باشد زیرا مملکت ما در رشته‌های مختلف هنر چون سفال سازی و ظروف سفالین - معماری و گچ بری و آجر کاری و منبت کاری و کاشی کاری - مجسمه سازی و سنگتراشی - فلز کاری و کارهای چوبین و وچرمین - منسوجات - نقاشی مخصوصاً مینا کاری و مینیاتور سازی - خوشنویسی و صنایع کتاب (کاغذ سازی - صحافی - تذهیب - جلد سازی) - انواع فرش بویژه قالی وقالیچه شاهکارهایی بوجود آورده که اهل ذوق را بستایش برانگیخته است .

نشانه دیگر اهمیت و بسط صنایع ایران اینست که در بیست و پنج سال اخیر شش نمایشگاه بین‌المللی از صنایع ایران از طرف ممالک بزرگ تشکیل یافته است : در فیلادلفی در ۱۹۲۶ - در لندن در ۱۹۳۱ - در موزه ارمیتاژ (۱) در این گراد در ۱۹۳۵ - در نیویورک در ۱۹۴۰ - در پاریس در ۱۹۴۸ - در موزه متروپولیتن (۲) در نیویورک در ۱۹۴۹ . این نمایشگاه‌ها دلیل قاطعی است بر این که صنایع ایران یکی از سبکهای بزرگ هنر را درعالم ایجاد کرده و قدیمی ترین و یکی از نافذترین و متنوع ترین صنایعی است که بشر بوجود آورده است .

پروفسور پوپ امریکائی رئیس «مدرسه عالی فرهنگ آسیا» در نیویورک که تألیفات بسیار در باب صنایع ایران دارد و کتاب عظیم و بی نظیر او بنام «بررسی هنرهای ایران» (۳) در شش مجلد بزرگ خود دلیل دیگری است بر عظمت صنایع این کشور، در کتاب شاهکارهای صنایع ایران در ۱۹۴۵ مینویسد : «در شصت قرن معلوم فلات ایران افکار و فنونی از خود ظاهر کرده و بجهان داده که کمک به متمدن کردن بشر نموده و آدمی را از سقوط محفوظ داشته است . نوشتن و خط - ارقام هندسی - صنایع کشاورزی

(۱) Ermitage در این نمایشگاه که نگارنده شرکت داشت ۲۵ هزار قطعه

از آثار ایران در ۸۰ تالار مدت ۵ ماه بمعرض تماشا گذاشته شده بود.

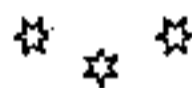
(۲) Metropolitan Museum

(۳) A Survey of Persian Art که هفتاد نفر از دانشمندان بزرگ عالم در تهیه

مقالات و فصول آن شرکت داشته‌اند و هر ایرانی تحصیل کرده باید لااقل آنرا یکبار ولو بطور سطحی باشد ورق بزند تا پی بخدمات نیاکان خود ببرد .

و فلز کاری - نجوم و علوم ریاضی - مبدأ آراء دینی و فلسفی تماماً از شرق نزدیک سرچشمه گرفته و سرچشمه عمده فرهنگ شرق نزدیک فلات ایران است. وقتی که اعراب در قرن هفتم ایران را فتح کردند چون بادیه نشین بودند از خود صنعتی نداشتند - مگر اینکه زبان شکفت آور آنها را صنعت محسوب کنیم. باین جهت صنایع و فرهنگ ایران بر آنها مستولی شد و بوسیله آنها بر قسمت اعظم عالم اسلامی از اسپانی تا هندوستان استیلا یافت. هنگامی که اروپا در قرون مظلمه غنوده بود علوم و صنایع اسلامی نیمی از جهان را منور ساخت و گرچه نواحی دیگر در این قسمت شرکت داشتند لیکن منبع اصلی و سرچشمه این نور ایران بود.

در سراسر تاریخ طولانی و پر حادثه ایران که از فراز و نشیب مشحون و از کامیابی و ناکامی و پیروزی و شکست و صعود و نزول حکایت میکند و نیروی خلاق او را هر بار نشان میدهد، بزرگترین منبع و بادوام ترین و مشخص ترین خدمت ایران در رشته صنایع بوده است» (۱)



بطور کلی چنانکه در این فصل تشریح شد ایران از راه فرهنگ خدمات برجسته بعالم نموده و دانشمندان بزرگ مغرب زمین این حقیقت را در مواقع مختلف گوشزد کرده اند. گروسه فرانسوی که در صفحات قبل سطوراً از او نقل شده درباره فرهنگ و تمدن ایران مینگارد: (۲) «اگر یکنفر خارجی را رخصت اظهار نظر باشد باید گفت که ایران حق بزرگی برگردن بشر دارد زیرا بشهادت تاریخ، ایران با فرهنگ نیرومند و ظریفی که در طی قرون بوجود آورده وسیله تفاهم و توافق و هماهنگی را میان ملل ایجاد نموده است... در اثر افکار ایران - در اثر اشعار ایران نژادهای مختلف دارای ایمان و عقیده مشترک شده اند. شعرای ایران چنانکه گفتیم جهانی را متمتع نموده اند. احساساتی که ابراز میدارند مستقیماً یکنفر فرانسوی را مانند یکنفر هندی و یکنفر ترک را مانند یکنفر گرجی متأثر میسازند. عرفای ایران با وجود اینکه کاملاً مسلمان هستند همانقدر قلب يك

(۱) Masterpieces of Persian Art تألیف Arthur Upham Pope

نیویورک - ۱۹۴۵ - صفحه ۲

(۲) کتاب «دروان ایران» - چاپ پاریس ۱۹۵۱ - صفحه ۱۱-۱۰

مسیحی را بطپش درمیآوردند که دل يك برهمن را و بهمین دلیل تعلق بتمام بشریت دارند. در موقعی که میخواهند دنیا را از کینه توزی و ازهم پاشیدگی نجات بخشند و اونسکو از تمام مردم و از تمام مللی که حسن نیت دارند استمداد میکند، تمدن ایران نمونه تاریخی بزرگی بجهان نشان میدهد و نیروی معنوی عظیمی درپیش می نهد... امروز شاید مسئله مهم این باشد که مشرق و مغرب باهم سازش کنند. ایران ثابت نموده که این سازش امکان پذیر است زیرا بواسطه نبوغ زبانی و فکری و بواسطه سرمشقی که در تمام تاریخ داده ایران عبارتست از جمع شرق و غرب که اجزاء آن بطور متناسب باهم ترکیب و بطور غیر قابل تفکیک باهم پیوند گردیده است.

این نبوغ فکری و زبانی فرهنگ پر مایه ای بوجود آورد که در هر رشته بشر را بطرف سعادت و خوشی راهنمایی کرده و از روزگاران پیش چندان پرارج و مهم بوده که حضرت رسول اکرم (ص) فرموده (۱) *لو تعلق العالم باکناف السماء لئاله قوم من اهل فارس یعنی اگر دانش در گوشه ای از آسمان باشد برخی از ایرانیان بدان دست خواهند یافت.*

حقایق مختصری که در این فصل مذکور افتاد نتیجه کلی مطالعه تاریخ فرهنگ ایران و برای اینست که جوانان مملکت از گذشته پرافتخار خود آگاه شده و مقام ارجمند خود را در دنیا بشناسند نه اینکه خود را بالاتر و بزرگتر از دیگران بدانند و بر ملل دیگر بنظر حقارت بنگرند و طریق خطرناک پیمایند و در نتیجه در کوشش و همت آنان در راه ترقی و تعالی کشور فتور و سستی راه یابد و مملکت رو با انحطاط و پستی گراید زیرا در آن صورت مردم ایران مقام و حیثیت متوسطی خواهند داشت و فرهنگی که ایجاد میکنند بهیچوجه با فرهنگ اعصار گذشته و افتخارات بزرگ نیاکان مطابقت نخواهد کرد و پایگاه بلندی که درخور این ملت با استعداد تاریخی است در جرگه ملل عالم بدست نخواهد آمد.

(۱) ابن خلدون - مقدمه - چاپ ابراهیم حلیم - مصر - صفحه ۶۹۲. حدیث مذکور در کتب معتبر دیگر نیز آمده است.

اطلاع بر خدمات قرون ماضیه باید برعکس جوانان را برانگیزد که فرهنگی متناسب با عصر حاضر نظیر فرهنگ پرمایه گذشته ایجاد کنند و ملت ایران را در ردیف نخستین ملل متمدن و متمدن دنیا در آورند و خویشتن را فرزند برومند نیاکان نشان داده ستایش جهانیان را بسوی ایران جلب و نام خویش را در تاریخ معزز و ابدی سازند

رفت باید تا بکام دل رسید شب نشستن ، تا بر آید آفتاب

سعدیا گرمزد خواهی بی عمل تشنه خسبند کاروانی دز سراب

فصل بیست و هشتم

سازمان فرهنگ کنونی

سازمان فرهنگ ایران مانند دیگر تشکیلات مملکتی بر اصل تمرکزپی ریزی گشته است. تمام امور معارف از تهران اداره میشود و وزارت فرهنگ بر کلیه مؤسسات تربیتی نظارت دارد. اصل ۱۹ قانون اساسی نیز صریحاً مقرر داشته است که تمام مدارس و مکاتب در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.

وزیر فرهنگ
بموجب قانون اداری وزارت فرهنگ مصوب شهریور ۱۲۸۹
(خورشیدی) وزیر فرهنگ در رأس سازمان فرهنگ قرار دارد.

وی عضو هیئت دولت و مسئول نخست وزیر و مجلس شورای ملی و سنا است و بر حسب پیشنهاد نخست وزیر از طرف شاهنشاه بدین سمت منصوب میشود. اختیارات وزیر فرهنگ بسیار است. اجرای قوانین مخصوصاً قوانین مربوط بآموزش و پرورش - بسط تعلیمات ابتدائی - تعمیم تحصیلات متوسطه و عالیه - تأسیس ادارات لازم در تهران و ولایات - نصب و عزل کلیه اعضای مدارس و ادارات طبق قوانین استخدامی - صرف وجوه عمومی مطابق قوانین و مقررات مالی - نظارت بر امور دانشگاهها - ارتباط با مؤسسات فرهنگی ممالک خارجه از وظایف خاصه او است.

وزیر فرهنگ بر کلیه اوقاف کشور نیز نظارت دارد و بر طبق قانون اوقاف مصوب دیماه ۱۳۱۳ موقوفات بدون متولی یا مجهول التولیه را مستقیماً اداره میکند و حق نظاره ای که از موقوفات عامه بدست می آید بمصرف ساختمان و تعمیر ابنیه تاریخی و اماکن مقدسه ملی میرساند.

وزیر فرهنگ معمولاً معاونی دارد که مسئول او است و در غیاب
 ادارات
 وزارت فرهنگ
 وزیر فرهنگ وظایف او را انجام میدهد. تحت نظر معاون،
 چند مدیر کل اداراتی را که بهر یک سپرده شده است میگردانند.
 عده معاون و مدیر کل و اداراتی که زیر نظر هر یک از آنهاست با جزر و مد حوادث
 در سنوات اخیر در تغییر بوده است.

اکنون (شهریور ۱۳۳۲) ادارات وزارت فرهنگ عبارتست از اداره تعلیمات ابتدائی
 تهران - تعلیمات متوسطه تهران - تعلیمات حومه تهران - تعلیمات عالی و روابط فرهنگی -
 فرهنگ شهرستانها - بازرسی - امتحانات - بهداری آموزشگاهها - تربیت بدنی -
 آموزش فنی و حرفه‌ای - تعلیمات اجباری - انطباعات و انتشارات - دفتر همکاری با اداره
 همکاری ایران و آمریکا - کارگزینی - حسابداری - ساختمان - باستان‌شناسی و موزه‌ها -
 کتابخانه ملی - اوقاف - تحقیق اوقاف - هنرهای زیبا.

دفتر وزارتی و اداره تبلیغات و دبیرخانه شورای عالی فرهنگ مستقیماً زیر نظر
 وزیر و معاون او است.

بعضی از ادارات مذکور وسیع میباشند و بدوایر و شعب متعدد تقسیم شده و
 هر یک متجاوز از صد عضو دارد و برخی کوچک و شماره کارمندان آن محدود است.
 وظایف بعضی از آنها در قانون اداری وزارت فرهنگ قید گردیده ولی اداراتی که در نتیجه
 توسعه فرهنگ ایجاد گردیده و در قانون از آنها اسمی برده نشده بر حسب دستور وزارتی
 تعیین شده است.

برای اداره کردن فرهنگ، در موقع طبع این سطور (شهریور
 حوزه های
 فرهنگی
 ۱۳۳۲) مملکت را به ۳۸ حوزه تقسیم نموده‌اند که بعضی بسیار
 بزرگ است مانند خراسان و فارس و برخی کوچک مانند ساوه
 و شهباز. اسامی حوزه‌ها بر حسب حروف تهجی بقراردیل است: آذربایجان شرقی -
 آذربایجان غربی - آمل - اراک - بابل - بروجرد - بندرپهلوی - بیرجند - خراسان -
 خرم‌آباد - خوزستان - دامغان - زابل - زاهدان - زنجان - ساوه - سبزوار - سمنان -

شاهرود - شهرضا - شهبوار - فارس - قزوین - قم - کاشان - کرمانشاهان و کردستان -
 کرمان - گرگان - گروس - گلپایگان و خوانسار - گیلان - مازندران - محلات -
 ملایر و تویسرکان و نهاوند - نیشابور - همدان - یزد - نائین .

ریاست هر حوزه با رئیس فرهنگ است که وزارت فرهنگ انتخاب میکند و معمولاً
 از تهران اعزام میشود . حوزه های بزرگ بچند شهرستان و بخش تقسیم شده و رئیس
 هر قسمت مسئول رئیس حوزه فرهنگی است .

بطور کلی رئیس فرهنگ موظف است که قوانین و نظامات مربوط بمدارس را بکار
 بندد - بر آموزشگاه ها نظارت کند - مدارس جدید مطابق بودجه و دستور مرکز
 تأسیس کند - پرداخت حقوق و مصارف را طبق قانون اجازه دهد - بتصویب وزارتخانه
 کارکنان حوزه فرهنگی را نصب یا عزل کند - امتحانات نهائی را انجام دهد - در جلسات
 شورای فرهنگ محل شرکت جوید .

برنامه ها و آئین نامه های مدارس و بطور کلی امور فنی وزارت
 فرهنگ مطابق قانون شورای عالی فرهنگ بتصویب شورای
 مذکور باید برسد .

شورای عالی فرهنگ

قانون شورای عالی فرهنگ در اسفند ۱۳۰۱ بتصویب مجلس شورایی ملی رسیده است .
 بر حسب اختیاراتی که در مرداد ۱۳۳۱ از طرف قوه مقننه با آقای دکتر مصدق نخست
 وزیر وقت داده شده بود در دی ماه ۱۳۳۱ لایحه ای تنظیم گردید که موقتاً بطور آزمایش به مرحله
 اجراء در آمده است . مطابق این لایحه شورای عالی فرهنگ مرکب از ۱۶ عضو است :
 چهار نفر که بسبب شغل در شوری عضویت دارند (وزیر فرهنگ - رئیس دانشگاه تهران -
 مدیر کل فنی وزارت فرهنگ - رئیس کمیسیون فرهنگ مجلس شورایی ملی) - دوازده نفر
 که باید قاعدتاً انتخاب شوند ولی در دوره اختیارات نخست وزیر بر طبق پیشنهاد وزیر
 فرهنگ و تصویب هیئت وزیران تعیین گردیدند .

این دوازده نفر عبارتند از سه نفر استاد دانشگاه تهران - سه نفر از دبیران و
 دو نفر از آموزگاران پایتخت - یک نفر مجتهد جامع الشرایط - یک نفر پزشک - یک نفر
 مهندس - یک نفر حقوق دان . مدت عضویت این دوازده تن شش سال است .

ریاست شوروی با وزیر فرهنگ و امور دفتری آن بعهده دبیرخانه‌ای است که از طرف وزارت فرهنگ تشکیل می‌یابد.

برای رسیدگی مقدماتی باموری که در حیطة اختیار شوروی است هیئت مرکب از پنج نفر از اعضاء شوروی یا از خارج بنام هیئت عالی مطالعات از طرف شوروی انتخاب میشود و این هیئت میتواند از نظر اهل فن استفاده کند.

وظایف عمده شوروی عبارتست از تصویب اساسنامه‌ها و برنامه‌ها و آئین‌نامه‌های مدارس - سازمان وزارت فرهنگ - اجازه تاسیس آموزشگاه‌های خصوصی تا حدود متوسطه و تعیین شرایط مدیران و معلمان آنها و تعیین ارزش گواهی‌نامه‌هایی که میدهند - تطبیق کتب درسی با برنامه رسمی و اجازه تدریس آنها - انتخاب مؤلفین و مترجمین کتب علمی و فنی که بخرج دولت تهیه میشود - اظهار نظر درباره کارشناسان خارجی که وزارت فرهنگ بخواهد استخدام کند یا نمایندگانی که بخواهد بانجمنها و کنفرانسهای بین‌المللی گسیل دارد - تعیین شرایط اعزام معلمان و محصلین بخارج و شرایط دادن ارز دولتی بدانشجویان غیر دولتی - تعیین ارزش تحصیلات کسانی که در خارج دانش آموخته‌اند، تا حدود متوسطه - اجازه تاسیس انجمن‌های فرهنگی - تصویب اعطای نشان و مدال فرهنگی.

گرچه در لایحه قانونی شورای عالی فرهنگ پیش بینی شده است که در مراکز مهم استانها و شهرستانها بر طبق آئین نامه مخصوص شعب شوروی تاسیس شود ولی تا هنگام طبع این فصل

شورای
فرهنگ محلی

اقدامی مطابق لایحه مذکور از طرف وزارت فرهنگ بعمل نیامده است. از طرف دیگر بموجب قانون ۱۴ شهریور ۱۳۰۶ شعب شورای عالی فرهنگ در شهرها باید تشکیل شود. آئین‌نامه تاسیس شوراهای محلی در ۱۴ آبان ۱۳۲۰ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده و در شهرهای عمده کشور دائر گردیده است.

مطابق آئین‌نامه مذکور شورای فرهنگ در شهرهای درجه اول نه تن و در شهرهای متوسط هفت تن و در شهرهای کوچک پنج تن عضو دارد. این اعضاء عبارتند از رئیس فرهنگ که ریاست شوروی را بر عهده دارد - دبیر دانشسرا یا دبیرستان محل - یک نفر از دبیران - یک نفر از اعضاء انجمن شهر به معرفی آن

انجمن - بقیه از دانشمندان محل . اعضای مذکور برای مدت دو سال بر حسب پیشنهاد رئیس فرهنگ و تصویب وزارت فرهنگ منصوب میشوند .

وظیفه عمده شورای فرهنگ کمک با اداره فرهنگ محل در تأسیس مدارس حرفه‌ای طبق مقتضیات محل و ایجاد کتابخانه و موزه - پیشنهاد اصلاح برنامه‌ها و آئین‌نامه‌ها بر حسب احتیاجات محل - تشخیص استحقاق و شایستگی کسانی که داوطلب تأسیس مدرسه یا روزنامه یا مجله هستند - تعیین نقاطی که در آنجا باید مدرسه تأسیس یا ساخته شود - تصویب نمایشنامه‌ها و غیره .

امتحانات نهائی بموجب ماده ۱۸ قانون اساسی فرهنگ مصوب آبان ۱۲۹۰

خورشیدی وزارت فرهنگ موظف است برای هر يك از مدارج تحصیلی امتحاناتی برقرار و گواهینامه هائی صادر کند که ورود به خدمات دولتی موقوف بداشتن آنها خواهد بود . بموجب آئین‌نامه‌ای که در دیماه ۱۳۲۵ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده در پایان سال ششم ابتدائی و سال سوم و پنجم و ششم متوسطه امتحانات نهائی از طرف وزارت فرهنگ بعمل می‌آید . در تهران وزارت فرهنگ و در ولایات رؤسای فرهنگ هیئت ممتحنه را از میان معلمان که دارای شرایط لازم باشند انتخاب میکنند . امتحانات نهائی هر سال دو بار در خرداد و شهریورماه انجام میشود . موادی که داوطلبان باید امتحان دهند و مدت هر امتحان در آئین‌نامه قید گردیده است . نتیجه امتحانات بامضای هیئت ممتحنه بوزارت فرهنگ فرستاده میشود و از روی گزارش‌ها گواهی‌نامه قبول شدگان صادر میگردد .

بهداری
آموزشگاه‌ها

یکی از ادارات وزارت فرهنگ چنانکه فوقاً ملاحظه شد
بهداری آموزشگاه‌ها است که برای تأمین بهداشت مدارس
و جلوگیری از سرایت امراض و درمان دانش‌آموزان و معلمان

بیمار در تهران ۳۵ نفر پزشک و چند درمانگاه دارد .

بخشهای تخصصی این درمانگاه‌ها عبارتست از امراض عمومی - چشم‌پزشکی -

دندانسازی - امراض گوش و گلو و بینی - اشعه مجهول برای معالجه کچلی .

اطباء مذکور بفواصل معین مدارس پایتخت را معاینه و نظریات خود را در دفتر مخصوصی ثبت میکنند و رئیس هر آموزشگاه مسئول اجرای آن است. شاگردان و معلمان نیز بمعرفی مدرسه بدرمانگاهها مراجعه میکنند و مجاناً معالجه میشوند و در حدود اعتبار موجود داروی رایگان میگیرند.

در شهرهای بزرگ نیز وزارت فرهنگ پزشکی برای بهداری مدارس استخدام نموده که از لحاظ فنی زیر نظر اداره بهداری آموزشگاهها میباشند و در حدود وسائلی که دارند وظایف خود را انجام میدهند. در هر شهر که مدارس طیب مخصوص نداشته باشند رئیس بهداری محل موظف بسرکشی آموزشگاهها و مراقبت در بهداشت آنها است.

طبق ماده هشتم قانون اساسی فرهنگ مصوب آبان ۱۲۹۰
انواع مدرسه
 خورشیدی از لحاظ بودجه مدارس بدو دسته تقسیم میشود:
 رسمی و غیررسمی. رسمی آنستکه از طرف دولت و از وجوه عمومی تأسیس و نگاهداری شود و غیررسمی آنکه بانی مخصوص داشته باشد و مخارج آن از محل هدایا و موقوفات و شهریه محصلین تأمین گردد. مدارس غیررسمی مشتمل است بر مکتبخانهها و مدارس خصوصی (که بمدارس ملی معروفند) و مدارس علوم دینی.

در فصل ۲۳ توصیف گردید. نکاتی که ذرا اینجا باید اضافه کرد
مکاتب و مدارس علوم دینی
 اینست که اولاً از موقعی که دولت دبستانهای مجانی تأسیس نموده از شماره مکاتب کاسته شده و اکنون در شهرهای بزرگ که مکتب دیده میشود و اگر مکتبی باشد بیشتر زنانه است و در خانه مکتب دار تشکیل میگردد و در باب آنها اطلاع صحیحی در دست نیست. در خرداد ۱۳۱۶ شماره مکانی که دولت از وجود آنها آگاهی داشت ۲۷۵۴ باب و عده شاگردان آنها ۵۳۳۵۶ نفر در صورتیکه پانزده سال بعد یعنی در خرداد ۱۳۳۱ شماره مکاتب ۶۱۱ و عده شاگردان آنها ۱۷۴۶۸ نفر بود. ثانیاً در بسیاری از مکاتب موجود کتب درسی جدید بکار میرود و بعضی از مواد برنامه دبستانها مانند حساب تدریس میشود. ثالثاً بازرسان و زان فرهنگ مکاتب عمومی را سرکشی میکنند و از لحاظ بهداشت و اخلاق تذکرات قانونی

بمکتب داران میدهند.

مدارس علوم دینی در اغلب شهرها موجود است و عده آنها در حال حاضر ۲۱۰ و شماره طلاب آنها از هشت هزار نفر تجاوز میکند. اکثر این طلاب در قم و مشهد اقامت دارند و تحولاتی که درسی سال اخیر در کشور بوقوع پیوسته در برنامه تحصیلات آنها بی تأثیر نبوده چنانکه عده‌ای بتحصیل زبانهای خارجه و فلسفه جدید و تاریخ مذاهب و نظیر آن رغبتی ابراز میدارند. کسانی که دوره این مدارس را طی کنند معمولاً بمعامی مدارس علوم دینی و پیشنمازی و تذکیر و وعظ میپردازند.

مدارس خصوصی این مدارس را که مدارس ملی نامند - در مقابل مدارس دولتی که از طرف دولت تأسیس گشته - مردمان خیر و هیئت های نیکوکار برپا کرده عموماً در آغاز مخارج آنها را از محل هدایا و موقوفات و ماهیانه شاگردان تأمین نموده اند. دولت نیز بعد از آن مطابق آئین نامه خاصی اعانه میدهد و درازاء آن عده‌ای شاگرد معرفی میکنند که برایگان تحصیل کنند.

در ماده دهم قانون اساسی فرهنگ مقرراتی برای مدیران و معلمین مدارس خصوصی از حیث سن و معلومات و اخلاق و شرایطی برای بنای مدرسه معین گشته است. با رعایت مقررات مذکور شورای عالی فرهنگ صلاحیت مدیر مدرسه را باید تصدیق کند و با اجازه وزارت فرهنگ مدرسه تأسیس گردد. مطابق ماده دوم قانون اساسی فرهنگ کلیه برنامه‌ها از طرف وزارت فرهنگ معین میشود و وزارت فرهنگ تاکنون سعی کرده است برنامه مدارس خصوصی را مانند برنامه مدارس دولتی کند و امتحانات نهایی شاگردان آنها را مطابق امتحانات مدارس دولتی انجام دهد.

چون دبستانهای دولتی مجانی است و در دبستانها مبلغ ناچیزی از شاگردان بعنوان ماهیانه گرفته میشود مدارس خصوصی نمیتوانند وجه قابل متناسب با مخارج مدرسه از دانش آموزان اخذ کنند و ازینرو در آمد آنها معمولاً کافی نیست و با وجود اعانه‌ای که از دولت میگیرند قادر بادامه حیات نیستند و شماره آنها روبکاهش است. در خرداد ۱۳۱۶ در تمام کشور ۳۸۹ دبستان و ۱۴۰ دبیرستان خصوصی وجود داشت در صورتیکه عده مدارس مذکور در خرداد ۱۳۳۱ بترتیب به ۲۴۵ دبستان و ۷۳ دبیرستان

تقلیل یافته بود .

درجات و مراحل تعلیم

در ماده ۱۵ قانون اساسی فرهنگ چهار درجه برای تحصیل معین شده است : دبستان دهکده - دبستان شهر - دبیرستان - مدارس عالی . در بیست سال اخیر نیز عده‌ای کودکان در مرکز و بعضی از شهرها با تصویب شورای عالی فرهنگ بوجود آمده ولی در قوانین کشوری ذکری از کودکان دبستان نشده است .

اختلاف عمده دبستانهای دهکده و شهر فعلاً از حیث عده سالهای تحصیلی و معلومات آموزگار است . در دهات کوچک شماره سنوات تحصیلی چهار و معلومات آموزگاران آنها معمولاً از شش سال ابتدائی تجاوز نمیکنند ولی در دهات بزرگ و قصبات و شهرها عده سالهای تحصیلی شش و معلومات آموزگاران ممکن است از دوره اول متوسطه هم بیشتر باشد چنانکه در شهرها بیشتر آموزگاران اکنون از فارغ التحصیل های دانشسراهای مقدماتی دختران و پسران هستند .

وزارت فرهنگ چند سال است که مشغول تجدیدنظر در برنامه هاست . ادواری که برای دبستانها و دبیرستانها در نظر گرفته شده عبارتست از چهار سال تحصیلات ابتدائی - چهار سال تحصیلات دوره اول متوسطه - سه سال دوره دوم متوسطه . تازمانی که این طرح تماماً بتصویب نرسیده و ابلاغ نشده سازمان موجود برقرار خواهد بود . در سازمان فعلی دوره تحصیلات ابتدائی و متوسطه هر یک شش سال است و در پایان تحصیلات متوسطه میتوان وارد مدارس عالی و دانشگاه شد . دخترانی که بخواهند خانه داری و تدبیر منزل بیاموزند پس از اتمام سال سوم متوسطه بشعبه «فنی» وارد میشوند که دوره آن دو سال است و فارغ التحصیل های آن میتوانند وارد مدارس پزشکیاری و مامائی شوند .

آخرین مرحله تحصیل در مدارس عالی صورت میگیرد یعنی در دانشگاه تهران و تبریز و دانشکده های طب مشهد و اصفهان و شیراز و آموزشگاههای عالی بهداشت و هنر سرای عالی و دانشکاه جنگ و دانشکده افسری و آموزشگاه عالی وزارت پست